

آثار و پیامدهای بدحجابی در حقوق شهروندی

مجید رهایی^۱، نرگس محبوبی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۲۲

چکیده

همان طور که رعایت حجاب و عفاف آثار مثبت فردی و اجتماعی زیادی دارد بی حجابی نیز آثار و پیامدهای سوء و منفی زیادی در دو بُعد دنیوی و اخروی دارد. آثار فردی بی حجابی: اختلالات روانی، افت تحصیلی و آموزشی، خشونت و آزار جنسی، سقوط ارزش زن و ردایل اخلاقی را می-توان از آثار فردی بی حجابی دانست. وقتی زنی برای جلب توجه و رضایت دیگران به خودآرایی و خودنمایی می پردازد و فکر و اندیشه‌ی خود را در بُعد تمایلات و تخیلات پوچ محدود می کند، برخلاف فطرت خود حرکت می کند و در نتیجه خود را از نظر روانی و عقلانی و فرهنگی در معرض سقوط قرار می دهد. این گونه افراد وقت زیادی را صرف آرایش و آراستگی کرده و از مباحث علمی و اخلاقی باز می مانند. بدحجابی زنان آزار و اذیت مردان هرزه را به دنبال دارد و ارزش های راستین دختران را تحت تأثیر قرار می دهد. بدحجابی علاوه بر آثار فردی در نهاد مقدس خانواده نیز تأثیرات منفی دارد. از جمله بی علاقه‌گی به ازدواج، تزلزل بنیاد خانواده و افزایش میزان طلاق از آثار شوم بی حجابی است. یکی از آثار سوء بی حجابی این است که آفت بقای زندگی خانوادگی است چون بی بند و باری در حجاب و عفاف موجب تحریک غریزه جنسی است و چه بسا تحریک این غریزه موجب روابط جنسی نامشروع گردد و در نتیجه بنیاد خانواده سست می شود. در حالی که نه تنها اسلام بلکه آیین های اجتماعی دیگر نیز تأکید دارند که خانواده باید محفوظ بماند.

واژگان کلیدی: بدحجابی، حقوق شهروندی، حجاب.

مقدمه

در جامعه‌ای که بی‌بند و باری در پوشش و مسائل جنسی رواج دارد بسیاری از لذت‌های جنسی که عامل گرایش به ازدواج است به راحتی در دسترس افراد قرار می‌گیرد و این امر، گرایش افراد را به ازدواج کاهش می‌دهد چرا که آنچه باید در نهان خانواده زناشویی به دست آید آسان و رایگان در دسترس است در نتیجه اهمیت ازدواج را کاهش می‌دهد. استاد شهید مطهری در این رابطه می‌گوید: «ازدواج در قدیم پس از یک دوران انتظار و آرزومندی انجام می‌گرفت و به همین دلیل زوجین یکدیگر را عامل نیکبختی و سعادت خود می‌دانستند ولی امروزه کامجویی‌های جنسی در غیر کادر ازدواج در حد اعلا فراهم است و دلیلی برای اشتیاق آنها وجود ندارد» (مطهری، صص ۹۰-۸۹).

فشارهای روانی که دامنگیر زنان و مردان می‌شود بر اثر همین بی‌بند و باری است. دکتر مکيه مزرا درباره آثار مخرب این بی‌بند و باری در روابط زن و مرد بر نظام خانواده می‌نویسد: «یکی از آثار بی‌بند و باری این است که مردان از تشکیل خانواده خودداری می‌کنند زیرا لذت‌های جنسی برای آنها همیشه فراهم است و به آسانی می‌توانند به آن برسند بدون آنکه بخواهند خود را در قید و بند خانواده و مشکلات آن قرار دهند» (مزرا، صص ۳۵۴). به این ترتیب معلوم می‌شود که بی‌حجابی و بی‌بند و باری تا چه حد می‌تواند نظام خانواده را متزلزل سازد و سلامت روانی اعضای آن را به خطر اندازد و موجب تزلزل بنیاد خانواده، طلاق و مشکلات ناشی از آن شود. علاوه بر موارد ذکر شده بی‌حجابی آثار مخرب اجتماعی نیز به دنبال دارد که می‌توان گفت یکی از پیامدهای دنیوی بی‌حجابی نقض حقوق شهروندی می‌باشد که در این جا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بیان مسئله

احترام به اصول اخلاقی، قانون‌گرایی و مسئولیت‌پذیری در جامعه و... از مؤلفه‌های حقوق شهروندی می‌باشد. حال سوال این است، کسی که از دستور خداوند سرپیچی می‌کند و با فطرت خود به مخالفت برمی‌خیزد، فرمایشات و سیره‌ی معصومین را نادیده می‌گیرد آیا نسبت به سایر شهروندان مسئولیتی ندارد؟ کسی که با پوشش نامناسب موجب تهییج جنسی و انحراف مردان می‌شود، آیا حقوق شهروندی را نقض نکرده است؟

برای پاسخ به این سوال لازم است به برخی از آثار اجتماعی بی‌حجابی اشاره شود:

زمینه‌سازی برای نگاه آلوده و سلب آرامش روحی: حضور زنان بی‌حجاب با چهره‌های آرایش کرده، پوشیدن لباس‌های تنگ و تحریک‌آمیز در جامعه، آتش هوس را در درون مردان شعله‌ور می‌سازد. تحقیقات روان‌شناسان گواه آن است که مردان به سرعت در برابر مناظر تحریک‌آمیز دچار طغیان شهوانی و فشار روانی می‌شوند و عنان صبر و مقاومت خود را از دست می‌دهند و با تسلیم شدن در برابر تندباد هوس، به هر طریقی می‌کوشند خود را از انرژی فشرده و قدرتمند شهوت جنسی برهانند (هاشمی رکاوندی، ص ۸۹) و این مقدمه‌ی ورود به بسیاری از گناهان دیگر است. مردان هرزه با انواع حيله‌ها دختران ساده‌لوح را فریب می‌دهند و عفت و آبروی آنان به خطر می‌افتد. مقصّر اصلی در پیدایش چنین سرنوشتی چه کسانی هستند؟ آیا زمینه‌ی این نگاه‌های آلوده به دنبال بی‌حجابی فراهم نشده است؟

افراد بی‌حجاب با تحریک غریزه‌ی جنسی مردان، آنان را در آتش هوی و شهوت می‌برند و سلب آرامش روحی و روانی از آنان باعث شکل‌گیری حسرت‌های جنسی طولانی می‌گردد و انباشته شدن حسرت‌های جنسی باعث ارتباط‌های نامشروع بعدی می‌گردد. در روایتی امام صادق (ع) چشم‌چرانی را تیری زهرآلود از تیرهای شیطان معرفی کرده است که مصداق همین نگاه‌های آلوده است.

ایشان می‌فرمایند: «الْتَّظَرُ سَهْمٌ مِنْ سَهَامِ ابْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ اَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً» نگاه شهوت‌آلود به نامحرم تیری از تیرهای زهرآلود شیطان است. چه بسا نگاهی که حسرت طولانی را در پی دارد» (حر عاملی، ج ۱۴، ص ۱۳۸).

اثر تیرهای معمولی پس از مدتی التیام می‌یابد و درد آن به پایان می‌رسد و گاه حتی جای زخم ناپدید می‌شود اما تیر زهرآگین را چون از بدن بیرون کشند نه جای زخم به زودی التیام می‌یابد و نه اثر زهر به راحتی برطرف می‌شود و زهر نگاه آلوده همان اوهام و فشارهای روانی است که در کوتاه‌ترین زمان سراسر جسم و روح آدمی را دستخوش تلاطم می‌کند. خاطره‌ی صحنه‌ی مشاهده شده در مغز تداعی و در اعضا ظاهر می‌شود. فرد که می‌داند دستیابی به آن چه دیده و نیل به ارضای شهوت برایش به آسانی میسر نیست، در اندیشه فرو می‌رود و اندوه خود را به درون می‌فرستد و این همان زهر تیری است که از نگاه به قلب و از آن‌جا به همه اعضا سرایت می‌کند. روابط نامشروع، دیگر آزاری، همجنس‌رایی، خودارضایی همه نموده‌ها و آثار همان نگاه آلوده و حسرت طولانی برجای مانده از آن است. (غلامی، ص ۱۲۲).

بنابراین می‌توان گفت: بدحجابی زمینه‌ساز پیدایش چشم‌چرانی است که به برخی از نتایج آن اشاره شد و این واقعیت با دقت در شأن نزول آیه ۳۰ سوره مبارکه نور فهمیده می‌شود که خداوند متعال مردان را به «غض بصر» امر می‌کند (شأن نزول آیه در بخش حجاب در قرآن آمده است). توضیح مختصر روان‌شناختی در این حادثه که منشأ پیدایش آن بی‌حجابی یک زن و نگاه آلوده یک جوان به وی بوده است این می‌باشد که نگاه زمانی منشأ لذت است که با تمرکز همراه باشد و ذهن را به خدمت گیرد. فلسفه چشم‌چرانی جز این نیست که فرد با تمرکز در هنگام نگاه، تخیلاتش را به خدمت می‌گیرد و در دنیای خیالات به هوسرانی می‌پردازد و حواس دچار اختلال می‌شود و چون نگاه با خشم و خیانت و هوس و شهوت در هم می‌آمیزد، باعث اختلالات روان‌تنی می‌گردد. یعنی به بیماری‌هایی که نه کاملاً جسمی است و نه کاملاً روانی است دچار می‌گردد. (غلامی، صص ۱۲۳ و ۱۲۴).

تنزل بهره‌وری در فعالیت‌های اجتماعی و زمینه‌سازی رخدادهای مخاطره‌آمیز: بی‌حجابی زن در جامعه از یک‌سو، نیروی کارآیی مردان را دچار توقف و رکود می‌سازد و از سوی دیگر مانع پرداختن جدی زن به کار و فعالیت‌های اجتماعی می‌شود. زنی که در محل کار، فکر و ذهنش مشغول خودآرایی و خودنمایی است تمرکز فکری لازم را برای پرداختن جدی به کار نمی‌یابد و حال آن که شرط انجام صحیح کار و تلاش جدی و پربار حضور قلب و تمرکز حواس است. زنان بی‌حجاب مردانی را که باید با آرامش خاطر سرگرم کار و فعالیت باشند به چشم‌چرانی وادار می‌کنند و حواس آنان را از کار به امور جنسی معطوف می‌کنند و این عطف توجه مردان به امور جنسی علاوه بر این که باعث ضایع شدن نیروی فعال جامعه می‌گردد، چه بسا باعث حادثه آفرینی و افزایش جرم و جنایت در جامعه می‌شود به گونه‌ای که می‌توان گفت: سرچشمه بسیاری از حوادث مرگبار، درگیری و نزاع‌های فردی و خانوادگی، قتل‌ها و جنایات، خودنمایی و بی‌حجابی برخی زنان و چشم‌چرانی مردان است. حضرت امام صادق(ع) می‌فرماید:

«مَنْ يَمُوتُ بِالذَّنْبِ أَكْثَرُ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْإِجَالِ...» «شمار کسانی که در اثر گناهان و انحرافات جان خود را از دست می‌دهند، بیش از تعداد افرادی است که در اثر مرگ طبیعی می‌میرند» (بحارالانوار، مجلسی، ج ۷۰، ص ۳۵۴).

گسترش تهمت و سوءظن در جامعه: یکی از آثار بی‌حجابی سوءظن افراد و تهمت زدن به زنان و دختران بی‌حجاب است. این افراد در عمل با فرهنگ جامعه اسلامی مخالفت می‌کنند و با پوشش نامناسب وارد جامعه می‌شوند در حالی که عقل و منطق حکم می‌کند که افراد یک

جامعه اسلامی به ارزش‌های برخاسته از فرهنگ آن جامعه مثل حجاب احترام بگذارند و آن را رعایت کنند. در چنین حالتی طبیعی است که اینان مورد سوءظن واقع می‌شوند.

از امام علی(ع) در روایتی نقل شده است:

«مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهْمَةِ فَلَا يَلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۹) کسی که خود را در جایگاه تهمت قرار داده است، پس نباید کسی که سوءظن به او پیدا کرده است را سرزنش کند بلکه باید خود را مورد سرزنش و نکوهش قرار دهد». بنابراین کسی که با اهمیت ندادن به حجاب خود، به طور طبیعی زمینه بروز تهمتهای دیگران را فراهم می‌کند، نمی‌تواند مانع پیدایش سوءظن نسبت به خود گردد.

تشویق به بی‌بندوباری: حضور زنان بی‌حجاب در عرصه عمومی، فریاد بی‌صدایی برای ترویج بی‌بندوباری در جامعه است. در حقیقت چنین افرادی با حضور فاسد و شهوت‌انگیز خود در بین مردم، حساسیت به ارزش‌های اسلامی، مانند عفت و شرم را از بین می‌برند و در خصوص بی‌بندوباری به نوعی به فرهنگ سازی می‌پردازند و دیگران را تشویق به این‌گونه پوشش می‌کنند. این نوع تبلیغ بی‌بندوباری از گفتن با زبان مؤثرتر است. زیرا درعین این‌که همان معنا و مفهوم را منتقل می‌کند با عمل خود به دیگران نیز جرأت می‌دهد که این کار را انجام دهند. به عبارت دیگر با این کار خود اشاعه فحشا می‌کند و حرمت جامعه را جریحه‌دار می‌کند.

مواردی که بیان شد برخی از آثار اجتماعی بی‌حجابی بود. جامعه‌ای که مردان آن به دنبال نگاه‌های آلوده دچار مشکلات روحی و روانی شده و عفت دخترانش در خطر می‌افتد، مردان و زنان در انجام فعالیت‌های اجتماعی آرامش روحی ندارند. تهمت و سوءظن به افراد گسترش می‌یابد و زنان بی‌حجاب عملاً بی‌حجابی را تبلیغ می‌کنند. محیط زندگی آلوده می‌شود و شهروندان از حقوق انسانی و اساسی خود که زندگی در محیطی سالم و سرشار از امنیت و آرامش است باز مانده و نمی‌توانند به رشد و کمال انسانی خود که حق طبیعی و خدادادی آنان است برسند و کسانی که زمینه‌ی چنین مشکلاتی را فراهم آورده‌اند مسئول هستند که حقوق انسانی هم‌نوعان خود را با پیروی از هواها و هوس‌های خود زیر پا گذاشته‌اند. در حالی که دین مبین اسلام برنامه‌هایی را ارائه داده که منش و شیوه‌ی زندگی اجتماعی را تأمین می‌کند و موجب تحکیم روابط اجتماعی و آرامش روانی افراد و رعایت حقوق یکدیگر است. بنابراین می‌توان گفت که رعایت حجاب و عفاف یکی از حقوق شهروندان است که موجب احترام و تکریم مقام زن و

آرامش و امنیت جامعه و زندگی سالم است و برعکس بی‌حجابی، سرپیچی از فرمان الهی است و موجب تزلزل بنیان خانواده، رواج فساد و فحشا در جامعه و بی‌ارزشی زن می‌شود.

آثار اخروی بدحجابی

در بینش اسلامی، اعمال انسان علاوه بر آثار دنیوی دارای آثار اخروی نیز می‌باشد. اعمالی مانند آرایش و زینت برای نامحرم و در اجتماع، جلوه‌گری با لباس‌های نازک، اختلاط مردان و زنان نامحرم و نگاه‌های حرام و... که در قرآن، خداوند دستور به توبه داده است و در برخی احادیث وعده عذاب داده شده است. به عنوان نمونه در سوره نور آیه ۳۱ بعد از اینکه خداوند زنان را امر به «غضّ بصر و حفظ فروج» می‌کند و سپس نسبت به وجوب پوشش و ممنوعیت آشکار بودن زینت بحث می‌کند و مقدار واجب پوشش را تعیین می‌فرماید، مردم را دعوت به توبه می‌کند. (تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا) بیانگر این موضوع مهم است که همه مردم نسبت به مسأله نگاه و حجاب مسئول هستند و برای نگاه‌های حرام خود باید توبه کنند و توبه هم واجب است و هم کلید رستگاری است (توبوا... تفلحون) (قرائتی، تفسیر نور، ج ۸، صص ۱۷۷-۱۷۶).

راه رستگاری، بازگشت از مسیرهای انحرافی به راه خداست چرا که بی‌حجابی در جامعه موجب فساد و انحراف اجتماع می‌گردد. در احادیث نیز برخی از آثار و نتایج بی‌حجابی بیان شده است که نمونه‌هایی از آن در ذیل آورده می‌شود:

«آتش دوزخ: پیامبر اکرم (ص) زنانی را که زینت خود را برای نامحرمان آشکار سازند سزاوار آتش دوزخ دانسته‌اند. «نهی النبی (ص) آن تتزین المرأة لغير زوجها فان فعلت كان حقاً على الله أن يحرقها» (حرعاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۱۶۱، حدیث ۲۵۳۱۰)، پیامبر اکرم (ص) نهی کرد از اینکه زن خود را برای غیر شوهرش آرایش نماید اگر چنین کند بر خداوند سزاوار است که او را در آتش بسوزاند.

آویزان شدن با مو: از پیامبر (ص) در مورد بخشی از چیزهایی که در شب معراج دیده است، نقل شده است: «ورأيتُ امرأة معلقة بشعرها يغلي دماغ رأسها» زنی را دیدم که به موهای سرش آویزان بود و مغز سر او به جوش و غلیان درآمده بود (بحار الانوار، مجلسی، ج ۸، ص ۳۰۹، صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۰، حدیث ۲۴).

حضرت در توضیح رفتاری که این اثر و پیامد را باعث شده است، فرموده‌اند: «أما المعلقة بشعرها فإنها كانت لاتغطي بشعرها من الرجال، أما آن زنی که به موهای سرش آویزان بود، زنی بود که موهای خود را (در دنیا از مردان نامحرم) نمی‌پوشاند».

چیدن گوشت از بدن خود: از عذاب‌های اخروی دیگر برای زنان بدحجاب این است که در قیامت گوشت بدن آن‌ها، توسط خودشان با قیچی‌هایی از آتش چیده می‌شود. در حدیث معراج از پیامبر (ص) نقل شده است: «رأیت إمرأه تقطع لحم جسدها من مقدمها و مؤخرها بالمقاريض من النار...» زنی را دیدم که گوشت بدنش را از جلو و از عقب با قیچی‌هایی از آتش می‌چید.

حضرت در توضیح رفتاری که این پیامد را باعث شده است، فرموده‌اند:

«و أما اللّتی كانت تقرض لحمها بالمقاريض فإنها كانت تعرض نفسها علی الرجال» و اما آن زنی که گوشت بدن خود را با قیچی‌هایی از آتش می‌چید، آن زنی بود که در دنیا خود را در معرض تماشای مردان نامحرم و در اختیار آن‌ها می‌گذاشت» (همان منابع).

حضرت رسول اکرم (ص) برای تأکید بر اهمیت مسئله‌ی پوشش، انزجار خود را از افرادی که نسبت به پوشش کامل دینی پایبند نیستند، چنین بیان می‌فرماید:

«صِنْفَانِ مِنْ أَهْلِ النَّارِ لَمْ أَرَهُمَا قَوْمٌ مَعَهُمْ سِيَاطٌ كَأَذْنَابِ الْبَقَرِ يَضْرِبُونَ بِهَا النَّاسَ وَ نِسَاءٌ كَاسِيَاتٌ عَارِيَاتٌ، مُمِيلَاتٌ مَائِلَاتٌ... رُؤُوسُهُنَّ كَأَسْنِمَةِ الْبُخْتِ الْمَائِلَةِ لَا يَدْخُلْنَ الْجَنَّةَ وَ لَا يَجِدْنَ رِيحَهَا...» (محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۵۹)، دوگروه‌اند که اهل آتش هستند و نمی‌خواهم آن‌ها را ببینم، گروهی که تازیانه در دست دارند و مردم را با آن می‌زنند (ستمکاران) و گروه دیگر زنانی که پوشیده‌اند ولی برهنه‌اند (لباس نازک بر تن دارند) و به شهوت‌ها متمایل هستند و مردان را به سوی خود جذب می‌کنند و موهای سرشان همچون کوهان شتر برآمدگی دارد. این‌ها وارد بهشت نمی‌شوند و با این که بوی بهشت از مسافت‌های دور به مشام می‌رسد، بوی آن را استشمام نمی‌کنند.

بنابراین بی‌حجابی که مخالف با فطرت و حکم الهی و قوانین اجتماعی و حقوق انسانی است، موجب اختلالات روحی و روانی در دنیا و دور شدن از انسانیت می‌شود. هم چنین موجب می‌شود زندگی خانوادگی که به هدف آرامش بنا شده است، مختل شود و از همه مهم تر قهر و عذاب خداوند متعال و تنفر رسول اکرم (ص) را به دنبال دارد.

انسان عاقل و هوشیار با تفکر در احکام دینی و اخلاقی و یافتن فلسفه‌ی این احکام، خود را مقید به دستورات خداوند می‌داند و از هرزگی و تابعیت هوای نفس پرهیز می‌کند و به این وسیله سعادت خود را در دنیا و قرب و رضای حق تعالی را در آخرت فراهم می‌کند.

حق یا حکم بودن حجاب

یکی از مسائل چالش‌برانگیز در موضوع حجاب و عفاف مسئله‌ای است که عده‌ای با ایجاد شبهه این ذهنیت را ایجاد کرده‌اند که حجاب حقی است که زن مسلمان می‌تواند در شرایطی خاص با توجه به اسقاط‌پذیری حق از آن درگذرد یا حکومت اسلامی پایبندی آن را به خود شهروندان واگذار کند و از وضع قانون اجتناب کند. در حالی که در نقطه مقابل، عقیده گروهی است که حجاب را حکم الهی و رعایت آن را لازم می‌دانند و اعتقاد دارند حجاب، تکلیفی است بر گردن زنان و اگر بر حجاب و عفاف زن تأکید بیشتری وجود دارد به دلیل تفاوت زن و مرد از لحاظ گرایش‌ها، انگیزه‌ها و کارکردهای خاص آنان است و این ویژگی‌های متفاوت موجب شده که تکالیف آنها یکسان نباشد ولی در اصل وجوب حجاب و عفاف و رعایت حریم‌ها تفاوتی وجود ندارد. در این قسمت ضمن تعریف حق و ویژگی‌های آن، تعریف حکم و ویژگی‌های آن به بررسی معیارهای تشخیص موارد مشتبه بین حق و حکم که توسط فقها ارائه شده است پرداخته می‌شود و سپس به این سوال که حجاب، حکم است یا حق، پاسخ داده می‌شود.

حق و ویژگی‌های آن

در فصل اول در تعریف حق گفته شد فقها در تعریف آن اتفاق نظر ندارند. برخی حق را سلطه‌ای دانسته‌اند که شخص بر دیگری پیدا می‌کند و چون تسلط انسان بر خود امر معقولی به نظر نمی‌رسد طبق این تعریف باید پذیرفت که صاحب حق و تکلیف نمی‌تواند یک نفر باشد. چنانکه بعضی از فقها به همین دلیل، انتقال حق را در هیچ صورتی به مدیون آن درست ندانسته‌اند (انصاری، المکاسب، ص ۷۹)، برخی از فقها در نقد این نظریه نوشته‌اند که حق خود سلطه نیست بلکه سلطنت و توانایی از آثار آن به شمار می‌رود؛ همانگونه که از آثار ملک نیز می‌باشد (خراسانی، حاشیه کتاب المکاسب، ص ۵)، با توجه به تعریف حق به طور کلی می‌توان ویژگی‌های زیر را برای حق به‌شمار آورد:

- ۱- اسقاط‌پذیری: حق از چنان خصوصیتی برخوردار است که صاحب آن می‌توان آن را اسقاط کند (طباطبایی یزدی، حاشیه المکاسب، ص ۵۷).
- ۲- نقل‌پذیری: نقل عبارت است از بیرون بردن ملک، مال و یا حق از حیطة سلطنت مالک و صاحب حق و داخل نمودن آن در حیطة سلطنت شخص یا اشخاص دیگر است (طباطبایی یزدی، حاشیه المکاسب، ص ۵۷).
- ۳- انتقال‌پذیری: به نقل غیر ارادی و قهری عین، منفعت یا حق که به حکم شرع تحصیل می‌گردد انتقال گفته می‌شود. با امعان نظر در برخی از کتاب‌های فقهی فهمیده می‌شود که انتقال‌پذیری از ویژگی برخی از حقوق است (اصفهانی، حاشیه کتاب المکاسب، ج ۱، ص ۴۹).

تعریف حکم و ویژگی‌های آن

لغت‌شناسان، حکم را به معنای علم، عدل و قضا دانسته‌اند (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۱۴۱) راغب اصفهانی معتقد است معنای اصلی، حکم منع برای اصلاح است). در تعریف حکم گفته شده، حکم اقتضایی، حکمی است که در آن طلب به طور مطلق وجود دارد و شامل وجوب و ندب و نیز حرمت و کراهت می‌شود و تخییر به اباحه اختصاص می‌یابد زیرا مراد از تخییر در این جا تخییر مکلف است چه آن که چیزی را انجام دهد یا انجام ندهد. حکم وصفی مجعولات شرعی هستند که بالذات به افعال تعلق نمی‌گیرند. اگرچه به واسطه‌ی تبعیت از احکام تکلیفه نحوه‌ای تعلق به افعال نیز دارند (نائینی، فرائد الاصول، ج ۴، ص ۱۳۱ و ۱۳۲). به هر حال حکم شرعی قانونی است که از ناحیه خداوند متعال برای تنظیم تکامل حیات مادی و معنوی انسان وضع شده است اعم از این‌که به طور مستقیم به فعل مکلف یا به خود او یا به چیزهایی دیگر که در ارتباط با فعل او هستند، تعلق بگیرد.

ویژگی‌های حکم عبارت‌اند از:

- ۱- عدم جواز اسقاط حکم: حکم از مجعولات شرعی است که وضع و رفع آن به دست شارع می‌باشد. از این‌رو از ناحیه‌ی مکلف قابل اسقاط نمی‌باشد.
- ۲- عمومیت احکام برای تمام مکلفان: احکام شرعی از ویژگی‌های شمول نسبت به جمیع مکلفان برخوردار است. یعنی همه انسان‌ها اعم از حاضران در عصر رسول اکرم (ص) و غیر آن مخاطب شرع هستند. ظاهر بعضی از نصوص شرعی و استصحاب از جمله ادله‌ای هستند که بر شمول احکام برای تمام مکلفان دلالت دارند.

۳- تبعیت احکام از مصالح و مفاسد: از آنجایی که احکام تابع مصالح و مفاسد واقعیه هستند مادامی که مصلحت یا مفسده وجود دارد حکم نیز باقی است. با بیان ویژگی‌های حق و حکم تفاوت‌های آن‌ها روشن می‌شود که: حق و حکم هر دو مجهول شرعی است ولی حکم از چنان موقعیتی برخوردار است که اراده مکلفان در برابر آن ارزشی ندارد. در حالی که حق موقعیتی است که برای حفظ منافع خصوصی افراد یا تکمیل اراده ایشان و رعایت عدالت در قراردادهای پیش‌بینی شده است. برخی از حقوقدانان حکم را به قوانین امری و حق را به قوانین تکمیلی تشبیه نموده‌اند (کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، صص ۲۶۸ و ۲۶۹).

معیارهای تشخیص موارد مشتبه بین حق و حکم

فقها برای تشخیص مصادیق مشتبه بین حق و حکم راه‌حل‌های زیر را ارائه نموده‌اند:

- اصل عدم حق بودن:

سیدمحمدتقی بحرالعلوم معتقد است در صورت شک بین حق و حکم، به مقتضای اصل عدم حق، حق بودن آن را نفی می‌کنیم (بحرالعلوم، بلغه الفقهیه، ص ۶).

- مراجعه به نص شرعی و عرف:

سید محمدکاظم طباطبایی یزدی معتقد است که برای شناسایی موارد مشتبه به ادله مراجعه می‌کنیم. اگر ادله تصریح داشته به آن عمل می‌کنیم ولی اگر ادله صراحت نداشته باشند چنانچه در معنای عرفی حق یا حکم بودن آن تردیدی نباشد به عموم دلیل تمسک می‌نماییم و آن را حق یا حکم به شمار می‌آوریم (طباطبایی یزدی، حاشیه المکاسب، ص ۵۴). در نصوص شرعی فلسفه حکم حجاب را به مصالح جمعی و امنیت اجتماعی ارجاع می‌دهد. مثلاً خداوند متعال می‌فرماید: «ذلک أدنی أن يعرفن فلا يؤذین» زنان می‌توانند وارد جامعه شوند ولی باید از تعرض مصون بمانند و به عنوان ابزار و تبرج و مفسده معرفی نگردند» (سوره احزاب، آیه ۵۷).

- استصحاب

میرزای نائینی معتقد است در صورت شک بین حق و حکم و در مواردی که دلیل لفظی در میان نباشد مرجع اصول عملیه است (نائینی، فرائد الاصول، ج ۱، ص ۱۰۸)، ویژگی‌هایی چون اسقاط، حق نقل و انتقال از امورات وجودی هستند که حدوث آن‌ها نیازمند به دلیل است، اکنون که در حدوث این ویژگی‌ها شک وجود دارد، اصل عدم وجود آن‌ها می‌باشد که نتیجه آن عدم سقوط آن به واسطه اسقاط است.

- فتوای فقیهان

فقیهان، اجماع و شهرت فتوایی بر «حکم» بودن حجاب دارند (عاملی، اللعمه دمشقیه، ص ۶۲، نجفی، جواهر الکلام، ج ۲، ص ۷۵) و این که در متون فقهی نمی‌توان یافت. فقهی برحق بودن حجاب و اسقاط‌پذیری آن در مورد زنان اهل ایمان فتوا داده باشد.

حجاب، حکم الهی نه حق بشری

با امعان نظر در لسان آیات قرآن، روایات مأثوره از رسول اکرم (ص) و ائمه علیهم السلام در می‌یابیم که شارع، مسئله حجاب را در نظام تشریحی خویش از موقعیتی برخوردار نموده است که اراده مکلفان در آن نمی‌تواند دخالت داشته باشد. بلکه شارع با استفاده از اوامر و نواهی مستقیم آن را واجب شمرده و آثار حقوقی خاصی را بر آن بار نموده است. هدف شارع از وضع حجاب حفظ مصونیت زن از هرگونه تعرض و تجاوز و حفظ نظم عمومی در جامعه و نهاد خانواده است، لذا اراده مکلف در مقابل آن فاقد ارزش است. چه بسا بتوان در امور مربوط به حفظ نفس، جسم، عرض، دین و فروج با تأسیس اصل عدم حق یودن در مورد مشکوک به حکم بودن آن‌ها در فرض دوران بین حکم و حق اذعان نمود. در مسأله حجاب از آنجایی که هدف شارع حفظ فروج و عفت جنسی زنان مؤمن و توسعه پاکیزگی در جامعه است، مصالحی فراتر از منافع اشخاص تعقیب شده است لذا قانونگذار باید موقعیت هر زنی را در اجتماع معین سازد و بر آن آثاری را بار کند. در مسأله حجاب با مراجعه به دلیل‌های اثبات مشروعیت و گستره آن به وضوح می‌توان حکم و قانون امری بودن آن را مورد شناسایی قرار داد.

حاصل سخن این که حق عبارت است از اعتبار سلطه به نفع شخص یا جهتی نسبت به عین یا امر اعتباری و از ویژگی‌های اسقاط‌پذیری، نقل‌پذیری و انتقال‌پذیری برخوردار است و حکم

قانونی است که از ناحیه‌ی خداوند متعال برای تنظیم و تکامل حیات مادی و معنوی انسان وضع شده است یا به طور مستقیم به فعل مکلف یا خود او یا به چیزهایی که در ارتباط با فعل او هستند، تعلق بگیرد که از ویژگی‌هایی چون عدم جواز اسقاط، عمومیت احکام برای عموم مکلفان، تابعیت احکام از مصالح و مفاسد برخوردار است و هدف شارع از تشریح حجاب، حفظ فروج و عفت زنان و توسعه پاکیزگی در جامعه است لذا مصالحی فراتر از منافع اشخاص در آن لحاظ شده است. بدین جهت باید آن را قانون امری و حکم تلقی کرد. با اذعان به حکم بودن حجاب نمی‌توان آن را اسقاط کرد یا به حکومت اسلامی توصیه نمود که التزام شهروندان به حجاب را به خودشان واگذار نماید یا به التزام آن در مواردی و عدم التزام به آن در موارد دیگر توافق نماید.

جرم انکاری بی‌حجابی در قانون مجازات اسلامی

قانونگذار، بی‌حجابی را در تبصره ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی در فصل هجدهم که به جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی می‌پردازد، جرم دانسته است. بر اساس این تبصره زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. امروزه در جامعه ما رعایت نکردن حجاب اسلامی به صورت معضلی اجتماعی درآمده است. هر روز در کوچه و خیابان زنان و دخترانی را می‌بینیم که با پوشش خلاف شرع در انظار عمومی ظاهر می‌شوند و فضای جامعه را به فضای ضداسلامی تبدیل کرده‌اند؛ بدین ترتیب، بسیاری از مردان و پسران به دام فساد کشانده می‌شوند و از طرفی امنیت و قوام نظام یک جامعه وابسته به تشویق و پاداش نیکوکاران و تنبیه و کیفر هنجارشکنان و متخلفان است. مکتب حیات بخش اسلام با برنامه‌های تربیتی و اخلاقی از سوپی و اصلاح محیط از سوی دیگر، عوامل و زمینه‌های جرم و گناه را از بین می‌برد و از وقوع هنجارشکنی و ظلم و جنایات پیشگیری می‌کند. با توجه به اینکه موضوع درباره جرم بی‌حجابی است و بر محور ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی می‌گردد ابتدا ابهامات موجود در این ماده بررسی و سپس ماده ۳ قانون رسیدگی به تخلفات استفاده‌کنندگان البسه خلاف شرع (مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۲۸) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هر فعل یا ترک فعل برای اینکه جرم تلقی شود باید سه عنصر اساسی در آن وجود داشته باشد:

- عنصر قانونی: آن است که هیچ عملی را نمی‌توان جرم دانست مگر آنچه قانون پیش‌تر تصریح کرده باشد.
- عنصر مادی: این است که تنها قصد انجام دادن عملی هر چند غیر قانونی باشد، جرم نیست و برای اینکه جرم وجود خارجی پیدا کند یک عمل خارجی مادی لازم دارد و این عمل ممکن است انجام فعل یا ترک فعل باشد.
- عنصر معنوی: منظور همان قصد مجرمانه و سوء نیت است. قصد مجرمانه عبارت است از تمایل به انجام دادن عملی که قانون آن را نهی کرده است و برای تحقق عمل مجرمانه (جرم) قصد، علم، اختیار به عنوان عنصر معنوی اصلی شرط است (از این‌رو، اکراه و اجبار و اضطرار از علل موجه یا رافع مسئولیت است) (جهانگیر، ص ۱۹). قانونگذار در چند مورد درباره حجاب اشاراتی داشته و بی‌حجابی را جرم یا تخلف دانسته است.

نقد تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰/۵/۸)

ماده ۶۳۸ ق.م.ا. بیان می‌کند: «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر، تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ۱۰ روز تا دوماه یا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دوماه یا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». تبصره این ماده نیز چنین مقرر می‌دارد: زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دوماه یا پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد (قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم، صص ۱۷۵ و ۱۷۶).

در این ماده حضور زنان بدون حجاب شرعی یکی از مصداق‌های تظاهر به عمل حرام و اعمالی شمرده شده است که عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند. اولین نکته در تبیین جرایم، بیان و تطبیق عناصر سه‌گانه جرم است. تبصره ماده ۶۳۸ ق.م.ا. که عنصر قانونی این جرم است. در این تبصره برای رعایت نکردن حجاب اسلامی، مجازات تعیین شده است و با توجه به تعریف جرم در ماده ۲ ق.م.ا، این عمل جرم تلقی می‌شود. ظاهر شدن زنان بدون حجاب شرعی، عنصر مادی است. بحث معاونت در این جرم نیز مانند سایر جرایم است. برای مثال، اگر مردی با وسیله‌ی خود، زن بی‌حجابی را در معابر بگرداند، معاونت در جرم کرده است و شروع به جرم نیز در این جرم وجود دارد (زراعت، ج ۲، ص ۴۳۵).

عنصر سوم جرم عنصر معنوی است. این جرم از جرایم معنوی است زیرا مرتکب باید علاوه بر علم و آگاهی به غیرقانونی بودن و حرام بودن عمل ارتكابی، قصد انجام آن را نیز داشته باشد. لازم نیست که این قصد به منظور جریحه‌دار کردن عفت عمومی باشد. بلکه ممکن است عمل ارتكابی، از روی غفلت یا بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی صورت گرفته باشد. هرچند فاعل قصد خاص عمل حرام را نداشته باشد، هم چنین امکان مشاهده دیگران کافی است. هرچند باید احتیاط لازم را انجام داده باشد (عظیم زاده اردبیلی، مقاله بررسی مفاد جرم بی‌حجابی، به نقل از شاهیاتی، ج ۳، ص ۵۵۶). در مورد علم و آگاهی باید گفت: جهل به قانون مسموع نیست و پس از ۱۵ روز از انتشار قانون در روزنامه رسمی، لازم الاجرا است.

ابهام در تعریف معابر و انظار عمومی

نکته‌ی بعدی تعریف «معابر و انظار عمومی» است. شرط تحقق جرم در متن ماده آن است که در انظار عمومی و معابر صورت گیرد. بنابراین اگر در خفا صورت گیرد مشمول این ماده نخواهد شد. البته نکته مهم این است که صرف ارتكاب عمل با سوء نیت خاص در انظار و اماکن عمومی برای تحقق بزه کافی است اعم از این که بیننده‌ای حضور داشته یا نداشته باشد (گلدوزیان، ص ۳۳۶). ارتكاب عمل در انظار عمومی به معنای آن است که مردم شاهد آن باشند. بنابراین، به ظاهر شرط تحقق عمل در انظار عمومی آن است که عده‌ای از مردم آن را مشاهده کنند ولی ارتكاب عمل در معابر چنین شرطی را ندارد. یعنی انجام عمل در معابر کافی است، هر چند مردم شاهد آن نباشند. همچنین با توجه به این که کلمه «معابر» به وسیله «واو» به «انظار عمومی» عطف شده است و با انتشار به تفسیر مضیق قانون، ممکن است منظور قانونگذار موردی باشد که عمل واجد هر دو جنبه باشد یعنی هم در انظار عمومی و هم در معابر باشد، اگر کسی در خانه خود و در مقابل عده‌ای از مردم، مرتکب جرم یا حرامی شود یا در معبر، این کارها را انجام دهد ولی کسی شاهد آن نباشد مشمول حکم این ماده نخواهد بود. این تفسیر اگر چه تا حدودی با ظاهر ماده سازگار است ولی به نظر می‌رسد کلمه «معابر» در متن ماده و تبصره آن به عنوان ذکر مصداق به همراه عنوان کلی است. یعنی قانونگذار، عنوان نام «انظار عمومی» را بیان کرده و به همراه آن یکی از مصداق‌های آن یعنی «معابر» را آورده است. چون معابر خود به خود در در انظار عمومی به شمار می‌رود.

بنابراین ارتکاب عمل در معبر، مدخلیتی در تحقق این جرم ندارد بلکه همین که محلی قابلیت مشاهده دیگران را داشته باشد کفایت می‌کند. مگر این که این عمل در مکان خصوصی صورت گیرد که در این صورت، دیدن دیگران لازم است. هر چند در این جا ممکن است که اختلاف پیش آید که چند نفر باید عمل را ببینند تا انظار عمومی بر آن صدق کند. به نظر می‌رسد بر اساس تفسیر مضیق این قانون لازم است عده‌ای که کمتر از سه نفر نباشند، شاهد جرم یا عمل منافی عفت عمومی یا بی‌حجابی باشند. البته در مورد بی‌حجابی با توجه به این که قید «علناً» برای آن به کار رفته است، احتمال لزوم آن در معابر و امکان عمومی تقویت می‌شود (زراعت، ج ۲، ص ۴۳۹). اماکن عمومی و علنی را نیز به چهار دسته تقسیم کرده‌اند که به دلیل اطالهی کلام از بیان آن خودداری می‌شود (مراجعه شود به شرح قانون مجازات، ج ۲، بخش تعزیرات، دکتر عباس زراعت).

عدم پیش‌بینی مجازات برای مردان

حجاب در اسلام برای زنان و مردان بیان شده ولی این ماده تنها درباره زنان است و از حجاب مردان سخن نمی‌گوید. در حالی که در مورد مردان نیز حجاب شرعی وجود دارد که قانونگذار متعرض آن نشده است. خداوند در آیه ۳۰ نور می‌فرماید: «ای پیامبر به مردان با ایمان بگو چشم‌های خود را بر حرام بپوشانند و فروج خود را در برابر حرام محافظت نمایند، این کار برای پاک‌تر ماندن آنان بهتر است خداوند به آن چه انجام می‌دهند آگاه است». مطابق آموزه‌های فقهی، بر مردان نیز واجب است که موضعی از بدن خود را از زن نامحرم بپوشانند همانگونه که زن باید بدن و موی خود را از نامحرم بپوشاند. فقیهان اسلامی نیز در کتاب‌های فقهی بر جایز نبودن نگاه مرد به زن نامحرم تصریح و برخی درباره این مسئله اجماع و اتفاق کرده‌اند (عاملی، ۱۴۱۳، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۷، ص ۴۶).

در متون فقهی امامیه (عاملی، اللعه دمشقیه، ص ۶۲) آمده است مرد حق ندارد به مرد دیگری از روی ریبه و تلذذ نگاه کند و بر زن نیز حرام است که به مرد اجنبی نگاه کرده یا صدای وی را بشنود مگر اینکه ضرورت از قبیل انجام معامله و امثال آن اقتضا کند. بنابراین، از آن جایی که حرمت و عدم حرمت دائر مدار فساد و عدم آن می‌باشد در نتیجه اگر مرد نیز به گونه‌ای در معابر و انظار عمومی ظاهر شود که مطابق حجاب پیش‌بینی شده برای او نباشد و عفت عمومی را جریحه‌دار نماید مشمول تعزیر می‌شود.

اکتفا نمودن رعایت حجاب به پوشش ظاهری

حجاب در اسلام برای زنان و مردان بیان شده است ولی این ماده علاوه بر اینکه تنها درباره زنان است، رعایت حجاب را به پوشش اندام محدود کرده است و حال آنکه اسلام، رعایت حجاب را نه فقط در مورد پوشش ظاهری و پوشش اندام بلکه درباره اعضا و جوارح مانند چشم و گوش ضروری دانسته است، لذا شایسته بود که قانونگذار در این تبصره به نوعی به عفت زبان و چشم و گوش توجه کرده و برای کسانی که در اعضا و جوارح خود موازین شرعی را رعایت نکرده و باعث لکه‌دار شدن عفت عمومی می‌گردند مجازات تعزیری پیش‌بینی نماید.

عدم انطباق کامل تبصره ماده با مبانی شرعی

واژه تعزیر در روایات و فتاوی فقها به معنی مجازات‌هایی که اندازه و حدی برای آن مشخص نشده، آمده است که به معنای اصطلاحی تعزیر است (عاملی، مسالک الافهام، ج ۲، ص ۴۲۳، محقق حلی، شرایع الاسلام، ص ۳۴۴)، در پاره ای از روایات نیز به جای واژه تعزیر، واژه ادب و تأدیب به کار رفته است و از مصادیق آن به زدن، تبعید، زندانی نمودن، نکوهش و جریمه مالی اشاره شده است (محقق داماد، ص ۱۹۸). تعزیر اعم از وعظ، توبیخ، تهدید و شلاق و حبس است که شایسته بود قانونگذار به قاضی اختیار، اعمال کمترین مرتبه تعزیر که تذکر و ارشاد را می‌داد و یکباره به حبس و شلاق و جزای نقدی متوسل نمی‌شد (مسجد سرایی، مقاله بررسی جرم بی‌حجابی و تنگناهای قانونی آن، ص ۳)، جالب توجه اینکه در نگاه بسیاری از فقیهان نیز تعزیر شامل موعظه، تهدید و توبیخ نیز می‌شود و لزوماً به معنای شلاق یا حبس و امثال آن نیست که در ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی آمده است.

علامه حلی در این باره می‌نویسد: «التعزیر یکون بالضرب أو التوبیخ أو بما یراه الامام و لیس فیه قطع شیء منه و لاجرحه... تعزیر با زدن شلاق یا زندان یا توبیخ یا به هر روشی که امام تشخیص دهد محقق می‌شود (حلی (علامه)، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، ج ۲، ص ۲۲۷). بر این اساس، قاضی در انتخاب هر یک از انواع تعزیر، مختار است و می‌تواند به هر یک از موارد فوق بسنده کند برخی از فقها، تعزیر به معنای شلاق و امثال آن را در صورتی می‌دانند که مرتکب با نهی و توبیخ قابل اصلاح نباشد. سید علی طباطبایی در این باره می‌نویسد: «اینکه در ارتکاب هر حرامی یا ترک واجبی، تعزیر واجب است، این حکم در صورتی است که

شخص با نهی و توبیخ و امثال آن از عمل خود دست نکشد زیرا در این فرض، نهی از منکر واجب است (طباطبایی، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، ج ۲، ص ۴۸۳).

ماده ۳ قانون رسیدگی به تخلفات استفاده کنندگان البسه خلاف شرع (مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۲۸):

ماده ۳ این قانون تصریح می‌کند: کسانی که در انظار عمومی، وضع پوشیدن لباس و آرایش آنها خلاف شرع و یا موجب فساد و یا هتک عفت عمومی باشد توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالحه محاکمه و حسب مورد به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده ۲ محکوم شوند. نکته‌های قابل توجه در این ماده در زیر بیان می‌شود:

- قید «انظار عمومی» در این ماده ذکر شده و یکی از شرایط تحقق جرم است.
 - این ماده نه تنها شامل زنان بلکه شامل مردان نیز می‌شود زیرا در متن ماده لفظ «کسانی» ذکر شده است که اعم از زنان است.
 - عنصر مادی جرم مربوط به وضع پوشیدن لباس و آرایش است و این دو عمل در صورتی جرم تلقی می‌شود که ناظر بر یکی از موارد ذیل باشد:
الف) خلاف شرع باشد
ب) موجب فساد شود (سببیت برای فساد در جامعه امر عرفی است که تشخیص آن بر عهده دادگاه است)
ج) موجب هتک عفت عمومی شود (ملاک هتک عفت عمومی، عرف و تشخیص آن بر عهده دادگاه است) (زرعت، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، ج ۲، ص ۵۶۱).
 - مجازات‌های یاد شده از تذکر و ارشاد، توبیخ و سرزنش و تهدید آغاز می‌شود و به جریمه نقدی از بیست تا دویست هزار پریال می‌رسد.
- در این ماده نیز بی‌حجابی یا به عبارت دیگر، استفاده از آرایش و لباس‌هایی که خلاف شرع است یا موجب هتک عفت عمومی می‌شود جرم است و مجازات‌هایی برای آن در نظر گرفته شده است.

راهکارها

با بررسی و دقت در سیره معصومین (ع) به این نتیجه می‌رسیم که ایشان در مقابل بی‌حجابی در عصر خود از روش‌های تربیتی مانند پند و اندرز، انذار و فرهنگ‌سازی بهره می‌جستند. در مطالعه سیره حضرت رسول اکرم (ص) و حضرت علی (ع) در برخورد با بی‌حجابی تذکر و ارشاد که کمترین درجه تعزیر است دیده می‌شود. نمونه‌های زیر بیانگر این حقیقت می‌باشد:

هنگامی که اسماء دختر ابوبکر، خواهر بزرگتر عایشه، همسر پیامبر (ص) در خانه ایشان با لباس بدن‌نما ظاهر شد پیامبر (ص) از او رو برگرداند و فرمود: «یا اسماء انَّ المرأه اذا بلغت المحيض لم تُصلح ان یری منها الا هذا و هذا اشارة الی وجهه و کفیه» ای اسماء چون دختر به حد بلوغ می‌رسد نباید چیزی از بدنش دیده شود مگر این و این (اشاره کرد به چهره و دست‌ها از مچ تا پایین) (سجستانی، ابو داود، سنن، ج ۴، ص ۶۲، حدیث ۴۱۰۴).

همان‌گونه که دیده می‌شود بی‌حجابی در عصر پیامبر اکرم (ص) نیز وجود داشته است ولی روش برخورد پیامبر اکرم (ص) جالب توجه است که ایشان از اسماء رو برگرداند و سپس با بیانی لطیف، حدود و میزان پوشش را بیان نمود، می‌بینیم که روش ایشان، عقلانی و در عین حال، بیانگر سیره آن حضرت است. عده‌ای به این روایت، برای اثبات عدم وجوب پوشش دست و صورت استناد کرده‌اند.

روایت دیگری از عبدالله بن عباس با این مضمون وارد شده است:

در سفر حجه الوداع، زنی از قبیله خشعم، جهت استفتای مسئله‌ای، خدمت رسول خدا (ص) رسید، این در حالی بود که فضل بن عباس نیز پشت سر آن حضرت سوار بود. آن زن از پیامبر (ص) پرسید: فریضه حج بر پدرم واجب شده ولی او به سبب کهولت سن، توانایی سفر ندارد اگر خود از سوی او حج کنم تکلیف او انجام گرفته است؟ پیامبر فرمود: «آری». در این هنگام توجه و نگاه فضل به آن زن که زیبا بود جلب شده و همین امر موجب شد که حضرت صورت فضل را به جانب دیگر چرخانید (شیبانی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴هـ.ق، مسند احمد، انتشارات دارالفکر، بیروت، ج ۱، ص ۲۵۱، چاپ دوم).

در المبسوط آمده است: سپس پیامبر فرمود: «رجلٌ شابٌ و امرأه شابٌ فحشیتُ ان یدخل بینهما الشیطان». زن و مردی جوان می‌ترسم شیطان در میانشان پای نهد (طوسی، محمد بن حسن، مبسوط، کتاب النکاح، ج ۴، ص ۱۶۰).

این روایت نیز از جمله روایاتی است که برای اثبات واجب نبودن پوشش صورت برای زنان مورد استناد قرار گرفته است زیرا اگر پوشش صورت واجب بود پیامبر به زن تذکر می‌داد که صورت خود را بپوشاند در حالی که حضرت، صورت فضل را به جانب دیگر چرخانید. برخورد پیامبر با فضل نشان می‌دهد که زنان وظیفه‌ای برای پوشاندن صورت خود ندارند ولی مردان نباید به زنان نگاه شهوت‌آلود کنند. اما استفاده ما در اینجا از روایت به منظور استناد آن به روش برخورد پیامبر اکرم (ص) در پی نگاه فضل به آن زن جوان است که ایشان با دست خود صورت فضل را برگرداند. در روایت، هیچ‌گونه برخورد تهدیدآمیز یا توبیخ دیده نمی‌شود لذا نتیجه می‌گیریم روش برخورد پیامبر(ص) برای امر به معروف و نهی از منکر، روشی عاطفی و در عین حال، منطقی و عقلانی است.

حضرت علی(ع) نیز واقعه‌ای به شرح زیر نقل می‌کند:

ایشان می‌فرماید: «یک روز بارانی با رسول خدا (ص) در بقیع نشستیم که زنی سوار بر الاغ از آنجا عبور می‌کرد. ناگهان پای الاغ در چاله‌ای فرو رفت و زن از بالای آن به زیر افتاد. رسول خدا (ص) به سرعت روی خود را برگرداند. حاضران به رسول خدا گفتند: این زن شلوار به تن دارد. حضرت سه بار فرمود: «اللهم اغفر للمتسرولات» خداوندا زنان شلوارپوش را ببامرز. سپس فرمود: «یا ایها الناس! اتخذوا السرا ویلات فأنها من أستر ثيابکم وحصنوا بها نساءکم اذا خرجن» (نوری طبرسی، میرزاحسین، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۴۵، محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۵۹، واژه حجاب).

اگرچه از این روایت، اهمیت پوشش شلوار به عنوان سپری حفاظتی یاد شده که نشانگر فلسفه لباس و پیامد آن است که نتیجه پوشش مناسب، مصونیت زن و عفاف اوست ولی روش برخورد پیامبر(ص) حائز اهمیت است و نکات زیر را می‌توان برداشت کرد:

- روی برگرداندن پیامبر(ص) از آن زن به سرعت و بدون وقفه که قابل توجه می‌باشد
- تشویق زنان به پوشاندن خود با شلوار
- طلب رحمت برای زنان باحجاب (سه مرتبه)
- تذکر به مردم (یا ایها الناس) که پوشش کامل داشته باشند و نیز به پوشش زنان خود در هنگام خروج از منزل توجه داشته باشند.

به طور کلی، از این روایات می‌توانیم به روش برخورد پیامبر(ص) در رابطه با حجاب و بی‌حجابی پی ببریم و اینکه ایشان با روی گرداندن خود تنفر خود را از بی‌حجابی ابراز می‌کند و از طرفی،

آموزش به مردان در هنگام برخورد با زنان بی‌حجاب و نیز توجه دادن به زنان که حجاب، موجب رحمت خدا و دعای معصومین (ع) و برعکس، بی‌حجابی، موجب انزجار و نگرانی ایشان می‌شود. نقل شده است که روزی حضرت علی(ع) در مسجد پیامبر(ص) با مردی روبه‌رو شد که دارای حالت زنانه بود حضرت به او فرمود:

از مسجد رسول خدا (ص) بیرون شو ای کسی که مورد لعنت رسول خدا هستی پیامبر فرموده است: «خداوند لعنت کند مردانی که خود را شبیه زنان و زنانی که خود را شبیه مردان می‌کنند» (حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۱۱، حدیث ۲).

هم‌چنین، حضرت علی(ع) نقل می‌کند که با پیامبر خدا (ص) در مسجد نشستند بودم که مردی با حالت زنانه بر پیامبر وارد شد و سلام کرد. حضرت پس از اینکه به سلام او پاسخ داد چشم به زمین دوخت و در حالی که استغفار می‌کرد فرمود: «آیا چنین افرادی در امت من یافت می‌شوند؟ اینگونه افراد در هیچ امتی یافت نمی‌شوند مگر این که آن امت پیش از آمدن قیامت عذاب شود» (همان، حدیث ۳).

در روایت نخست برخورد امام علی(ع) به اخراج آن مرد از مسجد به عنوان تنبیه و نیز تذکر به او که چنین افرادی مورد لعن رسول خدا (ص) هستند، در روایت دوم روش پیامبر اکرم (ص) که توأم با طلب آموزش آن حضرت، چشم دوختن بر زمین و روش امر به معروف (حجاب) و نهی از منکر (بی‌حجابی) قابل تأمل می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با دقت در قوانین موجود به این نکته پی می‌بریم که قانونگذار در هیچ قانون یا آیین‌نامه‌ای به طور کامل، حجاب را تعریف نکرده است. با مراجعه به قانون اساسی می‌بینیم که قانونگذار، اصلی را بیان کرده است که بر اساس آن مقرر می‌دارد: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد، با استناد به منابع معتبر اسلامی و یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا یا صدور حکم امتناع ورزد» (حجتی اشرفی، کتابخانه گنج دانش، ص ۶۶، اصل ۱۶۷). هم‌چنین قانونگذار در ماده ۲۹ قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ بیان می‌کند: «احکام دادگاه‌های کیفری، باید مستدل و موجه بوده، مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است. دادگاه‌ها مکلف اند حکم هر قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال و یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به شکایات و دعاوی و صدور حکم امتناع ورزند» (قیاسی، ص ۲۷۹). از این دو ماده نتیجه گرفته می‌شود که قاضی در صورت وجود نداشتن قوانین مدونه، باید به منابع اسلامی و فتاوی مشهور و معتبر مراجعه کند. با توجه به مفاد قرآن کریم و روایات معصومین (ع) و فتاوی فقهای عظام که حدود، شیوه و مصادیق پوشش را تعیین می‌کنند، عدم رعایت محدوده شرعی پوشش مستلزم فعل حرام و با توجه به تبصره ماده قانونی یاد شده جرم خواهد بود.

نکته مهم که باید مورد توجه قرار گیرد این است که استفاده از واژه بدحجابی بطور کلی غلط است زیرا حجاب معنای تشکیکی ندارد. یعنی حدود حجاب و شیوه و مصادیق‌های آن روشن است و جز آن بی‌حجابی تلقی می‌شود. رابطه دو واژه حجاب اسلامی و بی‌حجابی، رابطه متناقضی است و حد سومی وجود ندارد. به بیان دیگر، ظاهر شدن در هر وضعیتی که کفایت حجاب شرعی را نکند مصداق جرم رعایت نکردن حجاب شرعی است. نمایان بودن تمام یا بخشی از موی سر، آشکار بودن گردن و سینه به دلیل شیوه‌ی بستن روسری، استفاده از لباس‌های تنگ و بدن‌نما و آرایش دست‌ها و صورت، همگی بخشی از مصادیق‌های جرم رعایت نکردن حجاب شرعی هستند. اگر چه تعریف حجاب شرعی در قالب تبصره‌ای جداگانه در کنار ماده مذکور، بخش قابل ملاحظه‌ای از ابهامات را برطرف کرده و راه هرگونه تفسیر و اظهارنظر پیرامون حدود شرعی حجاب را مسدود می‌کند (مسجد سرایی، ص ۹).

فهرست منابع

- اصفهانی، محمدحسین، ۱۳۷۵، حاشیه کتاب المکاسب، قم، ج ۱، چاپ اول.
- امامی، حسن، ۱۳۴۲، حقوق مدنی، انتشارات کتاب فروشی اسلامیة، تهران، ج ۲، چاپ دوم.
- انصاری، مرتضی، ۱۳۷۰، المکاسب، چاپ اطلاعات، تبریز، چاپ اول.
- بحرالعلوم، محمد بن محمد تقی، ۱۴۰۳ هـ ق، بلغه الفقہیہ، مکتبه الصادق، تهران.
- پاک نژاد، سیدرضا، ۱۳۶۵، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، انتشارات فرهنگی شهید پاک‌نژاد، یزد، ج ۲.
- جهانگیر، صفدر، ۱۳۸۲، قانون مجازات اسلامی، نشر دیدار، تهران، چاپ هجدهم.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، چاپ چهارم.
- حاجی پور، رضا، ۱۳۸۹، آموزش شهروندی، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، چاپ اول.
- حجتی اشرفی، غلامرضا، ۱۳۸۱، کتابخانه گنج دانش، تهران، اصل ۱۶۷، چاپ هفتم.
- حداد عادل، غلامعلی، ۱۳۶۳، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، انتشارات سروش، تهران.
- حراملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، مؤسسه آل‌البیت، قم، ج ۲.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف، بی تا، تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة، مؤسسه آل‌البیت، قم، ج ۲.
- خراسانی، محمدکاظم، ۱۴۰۶ ق، حاشیه کتاب المکاسب، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول.
- خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۲، استفتائات، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ج ۳.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه، دانشگاه تهران، تهران، ج ۱۰، چاپ دوم.
- راسل، برتراند، ۱۳۵۵، زناشویی و اخلاق، مهدی افشار، انتشارات کاویان، تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۲ هـ ش، المفردات الفاظ القرآن، دارالعلم دارالشامیه.
- زراعت، عباس، ۱۳۸۲، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، انتشارات ققنوس، تهران، ج ۲، چاپ اول.
- سجادی، سید جعفر، ۱۳۶۵، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان ایران، تهران، ج ۳، چاپ اول.
- سجستانی، ابو داود، سنن، ج ۴، حدیث ۴۱۰۴.
- شعبه حرّانی، ابومحمدالحسن، ۱۴۰۰ ق، تحف العقول، انتشارات اسلامیة، تهران.
- شیبانی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ هـ ق، مسند احمد، انتشارات دارالفکر، بیروت، ج ۱، چاپ دوم.

صدوق، محمد بن علی، ۱۳۷۸ق، عیون اخبارالرضا، انتشارات جهان، تهران، ج ۲، حدیث ۲۴. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۲، المیزان، مؤسسه انتشاراتی اسماعیلیان، تهران، ج ۱، چاپ سوم.

طباطبایی حکیم، محسن، بی تا، مستمسک العروه الوثقی، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، ۱۳۷۶، حاشیه المکاسب، دارالعلم، قم. طباطبایی، سیدعلی، ۱۴۱۰هـ ق، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، مؤسسه آل البيت، قم، ج ۲.

طوسی، محمد بن حسن، مبسوط، کتاب النکاح، ج ۴. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ج ۷.

عاملی، سعید رضا، ۱۳۸۷، ارتباط بین فرهنگی و گفتمان حقوقی - آموزشی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۴.

عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، ۱۴۱۰ هـ ق، اللعمه دمشقیه، دارالتراث، بیروت. عظیم زاده اردبیلی، فائزه، مقاله بررسی مفاد جرم بی حجابی، به نقل از شاهیباتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی ج ۳.

عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۶۸، فقه سیاسی (حقوق سیاسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)، ج ۱، انتشارات امیرکبیر، تهران، ج ۱.

غلامی، یوسف، ۱۳۸۵، جلوه نمایی زنان و نگاه مردان، انتشارات لاهیجی، چاپ سوم.

فالكس، کیث، ۱۳۸۱، شهروندی، ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز، انتشارات کویر، تهران.

فتاحی زاده، فتحیه، ۱۳۷۹، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم.

قاضی، فاطمه، بی تا، گلستان ادب، قم.

قانون مجازات اسلامی.

قرائتی، محسن، بی تا، تفسیر نور، بی جا، ج ۸.

قیاسی، جلال الدین، ۱۳۷۹، روش تفسیر قوانین کیفری، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم، چاپ اول.

کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۴، مقدمه علم حقوق، انتشارات مدرس، تهران.

- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۶۵، فلسفه حقوق، انتشارات بهنشر، چاپ دوم.
- کاشانی، مجید، ۳۸۶، بررسی تاریخی و جامعه‌شناسی حجاب در ادیان الهی، فصلنامه تخصصی بانوان شیعه، ش ۱۱.
- کرکی، علی بن الحسین، ۱۴۰۸ هـ.ق، جامع المقاصد فی شرح القواعد، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، جلد ۵، چاپ اول.
- کلانتری، علی اکبر، ۱۳۹۰، فقه و پوشش بانوان، بوستان کتاب، قم، چاپ چهارم.
- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۲، محشای قانون مجازات اسلامی، مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۱۰ هـ.ق، بحارالانوار، مؤسسه الطبع النشر، بیروت- لبنان، ج ۲۹
- محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۷۷، قواعد فقه (بخش جزایی)، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران.
- محقق داماد، مصطفی، ۱۳۷۶، بررسی فقه و حقوق، همایش حقوقی، مجتمع آموزش عالی محمدی اشتهاردی، محمد، ۱۳۶۹ ش، پوشش زن در اسلام، کانون انتشارات ناصر، قم.
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۹ ش، میزان الحکمه، دارالحدیث، قم، چاپ اول.
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۹ ش، میزان الحکمه، دارالحدیث، قم، چاپ اول.
- محمدی، سید محسن، ۱۳۸۰، مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید، ورامین، انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان، چاپ ششم.
- محمدی، علی، ۱۳۷۴، فلسفه حجاب و زیان‌های بی‌حجابی، انتشارات ارم، قم، چاپ چهارم.
- محمودی، سید محسن، ۱۳۸۰، مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع جدید، ورامین، انتشارات علمی و فرهنگی صاحب الزمان، چاپ ششم.
- مزرا، مکيه، ۱۴۱۰ ق، مشکلات المرأه المعاصره، انتشارات دارالمجتمع، مکه مکرمه.
- مسجد سرابی، حمید، ۱۳۸۹، مقاله جرم بی‌حجابی و بررسی تنگناهای قانونی آن، همایش ملی حجاب و عفاف، دانشگاه سمنان.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، مسئله حجاب، صدرا، قم، چاپ هشتم و پنجم.
- معین، محمد، ۱۳۷۹، فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیر کبیر، تهران، ج ۲، چاپ یازدهم.
- معین‌الاسلام، مریم، ۱۳۸۴، زنان و برنامه تربیتی اسلام، انتشارات بیت الاحزان، قم.
- مهرمحمدی، محمود، ۱۳۷۷، آموزش و پرورش و جامعه مدنی، مجله‌ی پژوهش‌های تربیتی، ج ۶، شماره ۳.

- نائینی، محمدحسن، بی‌تا، فرائد الاصول، مؤسسه النصر، تهران، ج ۴.
- نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴ هـ.ق، جواهر الکلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲.
- نراقی، احمد، ۱۳۲۶، معراج السعاده، انتشارات دهقان، تهران.
- نوری طبرسی، حسن، ۱۴۰۹ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت الاحیاء التراث، بیروت.
- هاشمی رکاوندی، مجتبی، ۱۳۷۸، روانشناسی زن، انتشارات شفق، قم، چاپ سوم.
- واحد و کاظمی، سکینه و محمد، ۱۳۸۳، شهروندی لازمه شهرنشینی، تبریز، سمینار علمی- تخصصی شهرها و مردم.

